



A Jurisprudential and Hadith-Based Study of Suht (graft) in the Qur'an and Hadiths and Its Application to Contemporary Economic and Social Issue

Reza Mollazadeh Yamchi ¹

Meytham Shoaib ²

Abstract

The concept of suht in Islamic religious texts, particularly the Qur'an and the hadiths of the infallibles, refers to unlawful wealth and illicit income, which have destructive effects on the well-being of individuals and society. This issue is of particular significance due to its direct link to economic and social corruption. The aim of this study is to conduct a jurisprudential and hadith-based analysis of the term suht, examining its meanings and instances in religious texts, and applying it to contemporary economic and social challenges. The research employs a descriptive-analytical method, utilizing credible Qur'anic, hadith, and jurisprudential sources to assess and analyze the data. The findings of the study indicate that suht in religious texts refers to practices such as bribery, usury, and fraudulent transactions, and is identified as a key factor in fostering economic corruption, diminishing public trust, and weakening moral integrity. In the present era, this concept manifests in activities such as usury-based banking, bribery within administrative systems, and the generation of illicit income, which lead to social inequality and instability. Therefore, avoiding suht is not only an ethical principle but also a necessity for achieving economic and social justice.

Keywords: Suht (graft), Qur'an, Hadiths, Economic Corruption, Social Justice.

Citation: Mollazadeh Yamchi, R., Shoaib, M. (2025). A Jurisprudential and Hadith-Based Study of Suht(graft) in the Qur'an and Hadiths and Its Application to Contemporary Economic and Social Issue. *Narrative Quranic Research*, 1 (1), 87-105. (In Persian)

* Received: 2025/02/25, Revised: 2025/04/06, Accepted: 2025/05/14.

1. Postdoctoral Researcher in Qur'anic and Hadith Sciences Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Corresponding Author Email: reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir

2. PhD Graduate in Islamic Jurisprudence and the Foundations of Islamic Law Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: m.shoaib68@gmail.com



بررسی فقهی - روایی «سُخت» در قرآن و روایات و انطباق آن با مسائل اقتصادی - اجتماعی معاصر

رضا ملازاده یامچی^۱

میثم شعیب^۲

چکیده

مفهوم «سخت» در متون دینی اسلام، به ویژه قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام، به معنای مال حرام و درآمدهای نامشروع است که تأثیرات مخربی بر سلامت فرد و جامعه به همراه دارد. این مسئله به دلیل ارتباط مستقیم با فساد اقتصادی و اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش حاضر، تحلیل فقهی - روایی واژه «سخت»، بررسی معانی و مصادیق آن در متون دینی و تطبیق آن با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی معاصر است. روش تحقیق به کاررفته در این مطالعه، توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌ها با بهره‌گیری از منابع معتبر قرآنی، روایی و فقهی، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «سخت» در متون دینی به مصادیقی چون رشوه، ربا و معاملات فاسد اشاره دارد و به عنوان عاملی کلیدی در ایجاد فساد اقتصادی، کاهش اعتماد عمومی، تضعیف سلامت اخلاقی و عدم قبولی عبادات معرفی شده است. در عصر حاضر، این مفهوم به شکل فعالیت‌های بانکی مبتنی بر ربا، رشوه‌خواری در نظام اداری و کسب درآمدهای نامشروع تبلور یافته است که به نابرابری و بی‌ثباتی اجتماعی منجر می‌شود. از این رو، اجتناب از «سخت» نه تنها یک اصل اخلاقی، بلکه ضرورتی برای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی است.

واژگان کلیدی: سخت، قرآن، روایات، فساد اقتصادی، عدالت اجتماعی.

استناد: ملازاده یامچی، رضا؛ شعیب، میثم (۱۴۰۴). بررسی فقهی - روایی «سُخت» در قرآن و روایات و انطباق آن با مسائل اقتصادی - اجتماعی معاصر. قرآن‌شناخت‌روایی، ۱ (۱)، ۸۷-۱۰۵.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴.

۱. پژوهشگر پسادکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. رایانامه نویسنده مسئول:

reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. رایانامه: m.shoaib68@gmail.com

۱- مقدمه

واژه «سحت» در متون دینی اسلام، به ویژه قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام، به مال یا درآمد حرامی اشاره دارد که از راه‌های غیراخلاقی و غیرشرعی، مانند رشوه‌خواری، ربا، غش در معامله و انواع فسادهای اقتصادی به دست می‌آید. این مفهوم نه تنها یک مسئله اخلاقی صرف نیست، بلکه به عنوان یکی از ریشه‌های اصلی فساد در جوامع اسلامی شناخته می‌شود که تأثیرات عمیقی بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و حتی معنوی افراد دارد. برای نمونه، در آیه ۴۲ سوره مائده، قرآن کریم صراحتاً از «سحت» به عنوان عملی نکوهیده یاد کرده است و آن را حرام اعلام می‌کند. همچنین، روایات متعددی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، مصادیق این پدیده را تبیین نموده‌اند و بر پیامدهای زیان‌بار آن، از جمله کاهش برکت در زندگی و ممانعت از قبولی عبادات تأکید دارند. با وجود اهمیت مسئله «سحت» در آموزه‌های دینی، پژوهش‌های جامع و نظام‌مند درباره معنای دقیق فقهی - روایی این واژه و نیز ارتباط آن با چالش‌های معاصر، مانند اقتصاد ناسالم و بی‌عدالتی اجتماعی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

نوشتار پیش‌رو با هدف تحلیل مفهوم «سحت» و تطبیق آن با مسائل اقتصادی و اجتماعی روز گردآوری شده است و به روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد تا پاسخ‌سؤالات زیر را به دست آورد: از نگاه قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام، مفهوم «سحت» به چه معناست و چه نقشی در شکل‌گیری یا تضعیف نظام‌های مالی جوامع اسلامی ایفا می‌کند؟ مصادیق امروزی «سحت» در اقتصاد مدرن کدام است؟

پژوهش حاضر تلاش دارد تا مصادیق گوناگون «سحت» در متون دینی را شناسایی، و تأثیرات آن بر جنبه‌های مختلف زندگی، از جمله ساختارهای اقتصادی، روابط اجتماعی، اعتماد عمومی و عبادات فردی (همچون نماز) را بررسی نماید. در مرحله بعد، با بهره‌گیری از روش تحلیل تطبیقی، مفاهیم استخراج‌شده از متون دینی با مسائل اجتماعی و اقتصادی معاصر مانند ربا، رشوه و معاملات فاسد مقایسه می‌شوند. این رویکرد تطبیقی امکان می‌دهد تا ابعاد مختلف «سحت» و ارتباط آن با چالش‌های کنونی، به صورت نظام‌مند بررسی شود.

۲- پیشینه تحقیق

مفهوم «سحت» از دیرباز مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های فقهی، کلامی و اخلاقی بوده است. این واژه که به طور صریح یا ضمنی به مال حرام و آثار آن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی زندگی بشر اشاره دارد، در تحقیقات متعددی بررسی شده است. برای نمونه، مقاله «جذور الحرام و منابت السحت فی حقول الاستغلال» نوشته سلیمان حسن عبدالوهاب (۲۰۲۰م) یکی از مطالعات برجسته‌ای است که با تمرکز بر تحلیل تاریخی و اقتصادی «سحت»، به ریشه‌های حرام و نقش استثمار در گسترش فساد اقتصادی پرداخته

و مصادیق آن را در بسترهای اقتصادی مورد بررسی قرار داده است. این تحقیق، به ویژه بر ارتباط میان «سحت» و نظام‌های اقتصادی استثماری تأکید دارد و به این نکته اشاره می‌کند که فساد مالی چگونه می‌تواند در دنیای معاصر، از طریق مبادلات اقتصادی نامشروع گسترش یابد.

در پژوهش دیگری نیز با نام «فقه الاقتصاد الإسلامی و طبیعة التشريع فيه» نوشته البسیونی (۲۰۲۰م)، به بررسی ماهیت تشریع در اقتصاد اسلامی پرداخته شده است. نویسندگان در این مقاله استدلال می‌کنند که اقتصاد اسلامی ضمن پایبندی به شریعت، موجب پیشرفت جامعه بوده و بسیاری از امور اقتصادی را در حوزه مباحات قرار داده است. همچنین بر اهمیت شریعت اسلام در هدایت فعالیت‌های اقتصادی تأکید دارد و بیان می‌کند که قوانین اسلامی می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی را به گونه‌ای تنظیم کنند تا از فساد و «سحت» جلوگیری شده و در عین حال به رشد و توسعه اقتصادی کمک نمایند. در تحقیقات پیشین عمدتاً به تحلیل آثار «سحت» در ابعاد مختلف زندگی پرداخته شده است؛ اما پژوهش حاضر، علاوه بر بررسی مصادیق اقتصادی «سحت» همچون رشوه و ربا، به تحلیل تأثیر آن بر حیات معنوی و قبولی عبادات فردی (مانند نماز) و همچنین ارتباط آن با ساختارهای اجتماعی معاصر نیز توجه دارد. در این نوشتار تلاش بر آن است تا از طریق رویکرد جامع فقهی - روایی و اقتصادی، تأثیرات گسترده و متنوع «سحت» در جوامع معاصر به طور دقیق‌تر مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

۳- تحلیل مفهومی «سحت»

در متون دینی اسلام، به ویژه قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام، واژه «سحت» یکی از مفاهیم کلیدی است که به طور خاص، به مال حرام یا درآمد نامشروع اشاره دارد. این واژه با ریشه‌ای عمیق در زبان عربی، معانی چندلایه‌ای را در بر می‌گیرد که در دو حوزه اصلی معنایی قابل بررسی است: ۱- نابودی و استیصال؛ ۲- مال حرام و ناپسند. تحلیل مفهومی «سحت» از منظر لغوی و اصطلاحی نه تنها به درک دقیق‌تر کاربردهای آن در متون دینی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز فهم عمیق‌تر احکام فقهی مرتبط با آن خواهد بود. در این بخش، ابتدا به ریشه‌شناسی لغوی «سحت» پرداخته شده است و سپس معنای اصطلاحی آن در متون دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- مفهوم‌شناسی لغوی «سحت»

واژه «سحت» در زبان عربی برگرفته از ریشه‌ای سه‌حرفی است که در فرهنگ لغت‌های کهن، معانی گوناگونی برای آن ذکر شده است. این واژه از دیرباز در زبان و فرهنگ عرب جایگاه ویژه‌ای داشته و با مفاهیم اخلاقی، شرعی و اجتماعی پیوند خورده است.

خلیل بن احمد فراهیدی، یکی از نخستین و برجسته‌ترین لغت‌نویسان قرن دوم هجری، در کتاب العین واژه «سحت» را به هر چیز حرام و ناپسندی تعریف می‌کند که موجب شرمساری و ننگ شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۳۲). او مثال‌هایی چون بهای سگ، شراب و گوشت خوک را به عنوان مصادیق «سحت» ذکر نموده است که در فرهنگ اسلامی به عنوان امور ممنوع شناخته می‌شوند.

ابن درید، لغت‌شناس قرن چهارم هجری، در جمهرة اللغة ضمن تأیید معنای «حرام»، گاهی «سحت» را به «هلاکت و نابودی» نیز معنا کرده است (ابن درید، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۳). این دوگانگی معنایی، لایه‌های عمیق‌تری از مفهوم این واژه را آشکار می‌سازد که «سحت» نه تنها به ناپسندی ذاتی اشاره دارد، بلکه تبعات ویرانگر آن را هم در نظر می‌گیرد.

ابن فارس نیز در معجم مقاییس اللغة، «سحت» را به استیصال و هلاکت چیزی، مانند نابودی کافر به واسطه عذاب الهی تفسیر کرده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۴۳).

جوهری، در کتاب الصحاح، معنای حرمت را برای این واژه برجسته نموده است و کسب مال از راه‌های نامشروع، مانند تجارت حرام را از مصادیق اصلی آن می‌داند (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵۲).

مصطفوی، در التحقيق فی کلمات القرآن، رویکرد جامع‌تری ارائه داده است و «سحت» را به هر چیز مکروه، خبیث یا باطل از دیدگاه عرف و شرع تعریف می‌کند. وی معتقد است که شدت تبعات «سحت»، آن را از واژگان مشابهی چون «حرام» متمایز می‌سازد (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۶۶). این تعریف فراگیر، «سحت» را به عنوان مفهومی گسترده معرفی می‌کند که انواع ناپسندی و بطلان‌ها را در بر می‌گیرد.

برخی خاورشناسان نیز به ریشه‌شناسی واژه «سحت» پرداخته‌اند. آرتور جفری در کتاب The Foreign Vocabulary of the Qur'an پیشنهاد می‌دهد که این واژه ممکن است از کلمه عبری «שָׁחַת» (به معنای فساد و هلاکت) وام گرفته شده باشد (Jeffery, 1938. 179)، اما این نظریه با چالش‌هایی روبه‌روست؛ زیرا شواهد تاریخی نشان می‌دهد که «سحت» پیش از اسلام نیز در زبان عربی کاربرد داشته است. برای نمونه، در کتاب الأنساب، نام فردی به اسم «سُحَيْت الرَّعِينِي» وجود دارد (سمعانی، ۱۳۴۱، ج ۷، ص ۹۲). این کاربرد پیشااسلامی، اصالت «سحت» را در زبان عربی تأیید می‌کند و احتمال وام‌گیری صرف از زبان عبری را کمرنگ می‌سازد.

در مجموع، بررسی‌ها نشان می‌دهد «سحت» به معنای هر آن چیزی است که یا ذاتاً ناپسند و حرام بوده، یا منجر به نابودی و تباهی می‌شود. این پیوند میان حرمت و هلاکت، «سحت» را به واژه‌ای با بار معنایی سنگین در فرهنگ دینی و زبانی عرب تبدیل کرده است. در متون اسلامی، این واژه اغلب به مال حرام و درآمدهای نامشروع، مانند رشوه و ربا اطلاق می‌شود که از عوامل اصلی فساد اجتماعی و اقتصادی به

شمار می‌روند. بررسی دقیق این مفهوم نه تنها به درک بهتر متون کهن کمک می‌کند، بلکه در تحلیل چالش‌های معاصر نیز راهگشاست.

۳-۲- مفهوم‌شناسی اصطلاحی «سحت» از منظر قرآن کریم و روایات

در متون دینی اسلام، «سحت» معنای اصطلاحی مشخص‌تری می‌یابد و به طور خاص، به مال حرام و درآمدهای نامشروع اطلاق می‌شود. این معنا در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام به خوبی تبیین شده است که نشان از جایگاه ویژه این مفهوم در نظام اخلاقی و فقهی اسلام دارد.

۳-۲-۱- مفهوم‌شناسی اصطلاحی «سحت» از منظر قرآن کریم

در چهار آیه از قرآن کریم، واژه «سحت» به کار رفته است که هر یک از این آیات، جنبه‌ای خاص از معنای اصطلاحی آن را بیان نموده‌اند. بررسی این آیات و تفاسیر مرتبط با آن‌ها نشان می‌دهد که «سحت» در دو معنای اصلی به کار رفته است: نخست، به عنوان مال حرام و مصداقی از فساد اقتصادی و اجتماعی؛ و دوم، به معنای نابودی و هلاکت.

مرحوم طبرسی در مجمع البیان، ابتدا معنای «سحت» را به طور عام «هرگونه مال حرام» معرفی نموده است. سپس با استناد به روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مصداق بارز آن را «رشوه در امر قضاوت و صدور حکم» (الرِشْوَةُ فِي الْحُكْمِ) می‌داند. طبرسی در ادامه، با ذکر روایتی از امام علی علیه‌السلام، دامنه مصداقی سحت را گسترش داده و مواردی چون «مهر زن زناکار، درآمد حجامت‌گر، بهای سگ، شراب و میته و شیرینی کاهن» را نیز از انواع آن برمی‌شمارد. همچنین از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است که سحت انواع متعددی دارد اما «رشوه در مقام حکم، به منزله کفر به خداوند است». طبرسی در پایان به ریشه‌شناسی (اشتقاق) این واژه پرداخته و بیان می‌کند که مال حرام از آن جهت «سحت» نامیده شده است که برکت را از بین می‌برد، عذاب ریشه‌کن‌کننده در پی دارد و مروت و شخصیت انسان را نابود می‌سازد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۰۴).

همچنین در آیات ۶۲ و ۶۳ سوره مائده، قرآن کریم بار دیگر با عبارت «وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ»، بر این رفتار ناپسند تأکید می‌ورزد. طبرسی در تفسیر این آیات، نکته دقیقی را با استناد به اهل معانی و ابن عباس مطرح نموده است که مربوط به استعمال فعل «يُسَارِعُونَ» (می‌شتابند) در آیه است. وی بیان می‌کند این افراد چنان در گناه و حرام‌خواری می‌شتابند که گویی در حال انجام عملی نیک و پسندیده هستند! این امر نشان‌دهنده گستاخی و جرئت ورزیدن آن‌ها بر خطاکاری است و عمق فساد اجتماعی و انحراف در ارزش‌ها را نمایان می‌سازد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۳۶). در مقابل، آیه ۶۱ سوره طه با تعبیر «فَيَسْحَتُكُمْ بِعَذَابٍ»، معنای نابودی و هلاکت را برجسته نموده است. طبری از قول قتاده، «سحت» در این آیه را به استیصال و نابودی کامل به واسطه عذاب الهی تفسیر کرده است (طبری، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶، ص ۱۳۵). این تفاوت کاربرد نشان

می‌دهد که واژه «سحت» در قرآن کریم، هم به مفهوم مال حرام و هم به تبعات حاصل از آن (نابودی) دلالت دارد.

۳-۲-۱-۱- سوره مائده، آیات ۴۲، ۶۲ و ۶۳

در سوره مائده، واژه «سحت» به صورت اسم مصدر و در سه آیه به کار رفته است که به طور خاص، به مال حرام و درآمدهای نامشروع اشاره دارد. این آیات پیرامون سرزنش برخی از اهل کتاب، به ویژه یهودیان و علمای آن‌ها نازل شده‌اند و بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی این مفهوم تأکید دارند. خداوند در این آیات، رفتارهایی را که به فساد و انحراف در جامعه منجر می‌شود، مورد نکوهش قرار داده و اهمیت حفظ پاکی و رعایت عدالت را گوشزد نموده است.

آیه ۴۲ این سوره می‌فرماید: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِّلْسُحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ». در این آیه، خداوند گروهی از اهل کتاب را با دو ویژگی منفی توصیف می‌کند: «گوش دادن به دروغ» و «خوردن سحت». این توصیف نشان‌دهنده انحراف اخلاقی و فساد در رفتار برخی از یهودیان آن زمان است و واژه «سحت»، به عنوان نمادی از مال حرام و درآمدهای ناپاک معرفی شده است که تأثیرات مخربی بر جامعه دارد.

همانگونه که پیشتر بیان شد، مرحوم طبرسی، در تبیین واژه «سحت»، آن را در معنای عام «هرگونه مال حرام» دانسته است. وی با استناد به روایات، مصداق بارز و اصلی «سحت» را «رشوه در امر قضاوت» (الرشوة في الحكم) معرفی کرده و سپس با ذکر مصادیق متنوعی چون درآمد حاصل از برخی مشاغل کاذب و معاملات نامشروع، گستره معنایی آن را روشن ساخته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۰۳ و ۳۰۴).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه، «سحت» را شامل هر نوع مال حرام، به ویژه رشوه معرفی نموده است. وی معتقد است که چنین رفتارهایی به گسترش فساد در نظام قضایی و اخلاقی جامعه منجر شده و اعتماد مردم به عدالت را سلب می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۸۶). این تفاسیر گویای آن است که «سحت» نه تنها یک گناه شخصی، بلکه عاملی برای برهم زدن نظم و عدالت اجتماعی است.

این آیه و تفسیرهای آن، هشدار جدی درباره پیامدهای ورود مال حرام و رشوه در جوامع انسانی است. «سحت» به عنوان نشانه‌ای از فساد، پیوند عمیقی با انحطاط اخلاقی و اجتماعی دارد و اسلام با محکوم کردن آن، بر لزوم پاکی در کسب و کار و قضاوت تأکید می‌ورزد.

در آیه ۶۲ این سوره نیز خداوند متعال فرموده است: «وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ». این آیه به شتاب و اصرار برخی از اهل کتاب در ارتکاب گناه، تجاوز

به حقوق دیگران و مصرف «سحت» اشاره دارد که نشان‌دهنده عمق انحراف و فساد در رفتار آن‌هاست. «سحت» در آیه فوق به معنای مال حرام است که از راه‌های ناپسند به دست می‌آید.

شیخ طوسی در کتاب التبیان و علامه طباطبایی در المیزان، «سحت» را به مصادیق گوناگونی از اموال حرام، مانند رشوه و ربا، تفسیر کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۷۷؛ طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۶، ص ۳۱). شیخ طوسی این واژه را به درآمدهای نامشروعی نسبت می‌دهد که در آن زمان، میان برخی از اهل کتاب رایج بوده است. علامه طباطبایی نیز این آیه را به گروهی از یهودیان مرتبط می‌داند که در دام گناهای چون رشوه‌خواری و رباخواری افتاده بودند. وی این رفتارها را نشانه‌ای از سقوط اخلاقی و اقتصادی جامعه آنان دانسته و بر پیامدهای ویرانگر آن تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۶، ص ۳۱).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه، این آیه را به بی‌اعتنایی نسبت به حدود الهی و دست‌درازی به اموال نامشروع تفسیر کرده است و معتقد است که چنین اعمالی به گسترش فساد در جامعه منجر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۴۶). به این ترتیب، آیه ۶۲ سوره مائده هشدار خطر انحطاط برای جوامعی است که ارزش‌های دینی را نادیده می‌گیرند.

در آیه ۶۳ این سوره نیز آمده است: «لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛ چرا علمای الهی و دانشمندان (یهود) آن‌ها را از گفتار گناه‌آلود و خوردن سحت نهی نمی‌کنند؟ چه بد است آنچه انجام می‌دهند.

این آیه با لحنی سرزنش‌آمیز، علما و دانشمندان یهود را به دلیل کوتاهی در جلوگیری از رفتارهای گناه‌آلود مردم مورد خطاب قرار می‌دهد. در این جا، دو مفهوم کلیدی مطرح است: گفتار گناه‌آلود (قول الإثم)، و خوردن سحت (أكل السحت). «سحت» در لغت به معنای مال حرام یا درآمدهای نامشروع است که در آیات پیشین این سوره نیز به مصادیقی چون رشوه و ربا اشاره شده است. خداوند در این آیه، مسئولیت اجتماعی و اخلاقی علما را برجسته می‌کند و سکوت آن‌ها در برابر فساد را نکوهش می‌نماید.

ابن‌عاشور در تفسیر التحرير و التئوير، «سحت» را به ترک امر به معروف و نهی از منکر و همچنین کسب مال حرام پیوند می‌دهد (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۸). وی معتقد است که علما در مقام حراست از ارزش‌های دینی، وظیفه دارند با انحرافات اخلاقی و اقتصادی مقابله کنند؛ از این رو، هرگونه غفلت آن‌ها به گسترش فساد در جامعه دامن می‌زند (همان، ص ۱۴۵).

مرحوم طبرسی، آیه ۶۳ سوره مائده را متضمن توبیخ شدید علمای یهود (ربانیون و احبار) به دلیل سکوت در برابر انحرافات جامعه می‌داند. از منظر وی، گناهایی که علمای یهود از آن نهی نمی‌کردند، مصادیق مشخصی چون «تحریف کتاب آسمانی» (در توضیح «قول الإثم») و «رشوه‌خواری» (در توضیح «أكل السحت») داشته است. نکته محوری در تحلیل طبرسی آن است که عبارت پایانی آیه، «لَبِئْسَ مَا كَانُوا

يَصْنَعُونَ»، مستقیماً ناظر به «صُنْع» و عمل خود علما، یعنی «ترک نهی از منکر» است. بر این اساس، در دیدگاه طبرسی، انفعال و سکوت عالمان، خود یک عمل مذموم و مستقل تلقی شده که زمینه‌ساز اصلی فساد و انحطاط اجتماعی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۳) و این انفعال به فروپاشی ارزش‌های دینی منجر خواهد شد.

بنابر تفاسیر، «سحت» نقش مخربی در تضعیف بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی خواهد داشت و مسئولیت‌پذیری علما در جلوگیری از آن، به منظور حفظ سلامت جامعه امری حیاتی است.

۳-۲-۱-۲- سوره طه، آیه ۶۱

آیه ۶۱ سوره طه در قرآن کریم چنین است: «قَالَ لَهُم مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى»؛ موسی علیه السلام به آن‌ها گفت: «وای بر شما! بر خدا دروغ نبندید که با عذابی شما را نابود می‌کند، و هرکس که افترا ببندد، ناکام خواهد ماند».

در این آیه، حضرت موسی علیه السلام به جادوگران فرعون هشدار می‌دهد که از نسبت دادن دروغ به خداوند اجتناب کنند؛ زیرا موجب عذابی است که آن‌ها را به طور کامل نابود خواهد کرد. واژه کلیدی «يُسْحِتُ» که در آیه فوق به صورت فعل مضارع استعمال شده است، به معنای هلاکت و نابودی قاطع است. این معنا با کاربرد دیگر این واژه در سوره مائده (به معنای مال حرام) متفاوت بوده و نشان‌دهنده تنوع معنایی ریشه «سحت» در قرآن کریم است.

در تبیین معنای فعل «يُسْحِتُ» در آیه ۶۱ سوره طه، «فَيُسْحِتْكُمْ بِعَذَابٍ»، طبری در جامع البیان به دیدگاه مفسران صدر اسلام استناد نموده و از چهره‌های برجسته‌ای چون ابن عباس و سدی نقل می‌کند که این فعل به معنای «هلاکت» (يُهْلِكُكُمْ) و نابودی است. این مفهوم از نابودی کامل، در نقل قول دیگری از ابن زید، به صورت «هلاکتی که هیچ باقی‌مانده‌ای ندارد» مورد تأکید قرار گرفته است که بر شدت و استیصال در این عذاب دلالت دارد (نک: طبری، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶، ص ۱۳۵ و ۱۳۶). فخر رازی این واژه را به عذاب شدید در دنیا یا آخرت ربط داده و بر شدت پیامدهای افتراء تأکید نموده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲، ص ۶۵). علامه طباطبایی «سحت» را نابودی ناشی از شرک و افتراء می‌داند که هم در بعد مادی و هم در بعد معنوی رخ می‌دهد و نتیجه طبیعی انحراف اعتقادی است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۴، ص ۱۷۳ و ۱۷۴). در این تفاسیر، بر تبعات سنگین و ویرانگر نسبت دادن دروغ به خداوند تأکید شده است و آیه قرآن کریم، هشدار جدی درباره خطر انحرافات اعتقادی و لزوم پابندی به حقیقت است.

آیات سوره مائده به صراحت پیوند میان مفهوم «سحت» و فساد اقتصادی و اجتماعی را آشکار می‌کنند. در آیه ۴۲ این سوره، «سحت» به معنای رشوه در فرآیند قضاوت به کار رفته است که به طور مستقیم، منجر به تضعیف عدالت و انحراف در نظام قضایی می‌شود. این عمل، اعتماد افکار عمومی به نهادهای قانونی را از بین برده و بستری برای نهادینه شدن فساد در سطح جامعه فراهم می‌کند. طبرسی در تفسیر مجمع البیان، این آیه را به تلاش برخی از یهودیان برای تحریف احکام الهی از طریق رشوه‌خواری مرتبط می‌داند و آن را نمونه‌ای از فساد سازمان‌یافته معرفی کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۳). بنابراین، «سحت» به عنوان عاملی شناخته می‌شود که نه تنها عدالت اجتماعی را تضعیف می‌کند، بلکه به گسترش فساد در ساختارهای حقوقی و قضایی دامن می‌زند.

آیه ۶۲ سوره مائده نیز، پس از بیان مفهوم «سحت» در کنار مفاهیمی چون شتاب در گناه و تجاوز به حقوق دیگران، آن را نشانه‌ای از انحطاط اخلاقی و اقتصادی می‌داند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان این رفتار را به بی‌توجهی نسبت به حدود الهی و رواج پدیده‌هایی چون رشوه و ربا در جامعه تفسیر نموده است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۶، ص ۳۱). بنابراین، آیه بیانگر آن است که مسئله «سحت» فراتر از یک خطای فردی، به مثابه یک پدیده اجتماعی است که سلامت و انسجام جامعه را به خطر می‌اندازد و نمادی از فساد فراگیر است که به سرعت در میان افراد جامعه گسترش می‌یابد.

همچنین آیه ۶۳ نیز با نکوهش علمای یهود به دلیل سکوت در برابر «اکل سحت»، بر مسئولیت نخبگان دینی جامعه در جلوگیری از فساد تأکید دارد. ابن‌عاشور در التحریر و التنویر این آیه را هشدارى خطاب به رهبران جوامع تفسیر نموده و معتقد است که بی‌توجهی به مسئله فساد و مقابله با آن، خود نوعی همدستی در ارتکاب آن به شمار می‌رود (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۸). این دیدگاه نشان می‌دهد که «سحت» تأثیر عمیقی بر ساختارهای اجتماعی دارد و مبارزه با آن نیازمند تعهد جمعی، به ویژه از سوی رهبران و علماست. به بیان دیگر، این آیه سکوت در برابر فساد را به مثابه مشارکت غیرمستقیم در آن تلقی نموده است و بر نقش کلیدی نخبگان در حفظ سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه تأکید دارد.

در مقابل، آیه ۶۱ سوره طه اگرچه به طور مستقیم به فساد اقتصادی اشاره ندارد، اما با هشدار درباره نابودی ناشی از افتراء به خداوند، به طور غیرمستقیم تبعات اجتماعی و اخلاقی انحرافات اعتقادی را گوشزد می‌کند. این آیه بیانگر آن است که انحراف در باورها و رفتار، منجر به هلاکت فرد و جامعه خواهد شد و از این منظر، به عنوان مصداقی از فساد فراگیر قابل بررسی است. بنابراین، «سحت» در این آیه به مفهوم گسترده‌تری از انحطاط و تباهی اشاره نموده است که ریشه در اعمال نادرست دارد.

بنا بر توضیحات فوق، بررسی آیات مرتبط با «سحت» در قرآن کریم نشان می‌دهد که این واژه در دو حوزه معنایی به کار رفته است: در سوره مائده، مفهوم «سحت» به مال حرام، از جمله رشوه و ربا اشاره دارد که به طور مستقیم با فساد اقتصادی و اجتماعی مرتبط است؛ و در سوره طه، به معنای هلاکت و نابودی آمده است که بر پیامدهای سنگین انحرافات تأکید دارد. تفاسیر معتبر مانند مجمع البیان، المیزان و التحریر و التنویر نیز، «سحت» را نمادی از انحطاط اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی می‌دانند که منجر به سستی و نابودی بنیان‌های جامعه خواهد شد. این تحلیل، مقدمه‌ای برای بررسی مفهوم «سحت» در روایات اهل بیت علیهم‌السلام در بخش بعدی فراهم می‌آورد.

۳-۲-۲- مفهوم‌شناسی اصطلاحی «سحت» از منظر روایات

روایات اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یکی از منابع اصیل و معتبر در تفسیر مفاهیم قرآنی و تشریح احکام شرعی، نقش برجسته‌ای در تبیین واژه «سحت» و مصادیق آن دارند. این روایات، افزون بر تعریف دقیق حدود و ثغور مفهوم «سحت»، به بررسی پیامدهای آن در زندگی فردی، اجتماعی و معنوی مسلمانان نیز پرداخته‌اند و سپس راهنمایی‌های لازم را برای دوری از این پدیده ناپسند ارائه می‌دهند. در این بخش، با استناد به روایات نقل شده از امامان معصوم، به ویژه امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام، به تحلیل مصادیق اصلی «سحت» از جمله رشوه، ربا و درآمدهای حرام پرداخته می‌شود. هدف از این بررسی، روشن ساختن دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام درباره مفهوم «سحت» به عنوان عملی مذموم و ناقض ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، و تأکید بر ضرورت اجتناب از آن در تمامی شئون زندگی است.

۳-۲-۲-۱- رشوه، مصداق بارز «سحت»

یکی از بارزترین نمونه‌های «سحت» در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، رشوه است؛ به ویژه هنگامی که در حوزه قضاوت رخ می‌دهد. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسشی درباره معنای «سحت» فرموده‌اند: «الرِّشَاءُ فِي الْحُكْمِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۷)؛ رشوه در قضاوت. این روایت بر حساسیت ویژه اسلام نسبت به فساد در نظام قضایی تأکید نموده است. در روایتی دیگر، امام باقر علیه‌السلام با شدت بیشتری به این موضوع پرداخته و رشوه در قضاوت را مصداق کفر به خداوند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم دانسته است: «الرِّشَاءُ فِي الْحُكْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِرَسُولِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۶). این بیان علاوه بر اثبات حرمت رشوه، آن را در جرگه کفر به خداوند و رسول او شمرده است.

همچنین، در تفسیر عیاشی، امام صادق علیه‌السلام رشوه در قضاوت را به عنوان یکی از مصادیق «أكل سحت» معرفی می‌نماید: «مِنْ أَكَلِ السُّحْتِ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۲۱).

برای تعمیق این بحث، می‌توان به روایت دیگری از امام صادق علیه السلام اشاره نمود که در آن، شدت حرمت این عمل تا جایی است که هم‌ردیف کفر به خداوند متعال دانسته می‌شود: «الرِّشَا فِي الْحُكْمِ هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۰۹). تأکید امام علیه السلام نشان‌دهنده جایگاه ویژه این گناه در میان جرایم سنگین و پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی آن است. در مجموع، روایات اهل بیت علیهم السلام رشوه را به عنوان مصداقی روشن از «سحت» معرفی نموده‌اند و بر ضرورت پرهیز از آن به منظور حفظ عدالت و سلامت جامعه تأکید دارند.

۳-۲-۲-۲-۲-۳- ربا و جایگاه آن در «سحت»

یکی از مصداقی اصلی «سحت» در روایات اهل بیت علیهم السلام، رباست که به عنوان درآمدی حرام و نامشروع معرفی شده است. در روایتی مشهور که شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه از وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام نقل می‌کند، مصداقی گوناگون «سحت» چنین برشمرده شده است: «يَا عَلِيُّ... مِنَ السُّحْتِ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الزَّانِيَةِ وَ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ... وَ الرَّبَا» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۳)؛ ای علی! از مصداقی سحت، بهای مردار، بهای سگ، بهای شراب، دستمزد زن زناکار، رشوه در قضاوت... و ربا است. این تعبیر، به وضوح جایگاه ربا را به عنوان یکی از اشکال درآمدی غیرمشروع نشان می‌دهد. همچنین در حدیثی دیگر، امام باقر علیه السلام به تنوع مصداقی «سحت» اشاره کرده است و می‌فرماید: «السُّحْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ، مِنْهَا... الرَّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۶)؛ سحت انواع بسیاری دارد که یکی از آن‌ها ربا پس از آگاهی از حکم آن است. این روایت گویاست که ربا، به ویژه زمانی که فرد از حرمت آن آگاه است، گناهی سنگین‌تر و مصداقی آشکار از «سحت» محسوب می‌شود.

حرمت ربا ریشه در آثار زیان‌بار آن بر عدالت اجتماعی و اقتصادی دارد. در آموزه‌های اسلامی، ربا به دلیل بهره‌کشی از افراد نیازمند و تضعیف تعادل در جامعه، مورد نکوهش شدید قرار گرفته است. قرآن کریم نیز در آیاتی مانند آیه ۲۷۵ سوره بقره، ربا را حرام اعلام کرده و آن را در برابر بیع مشروع قرار داده است: «وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا». افزون بر این، در روایتی از امام علی علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه افراد درگیر در معامله ربوی را مورد لعن خدا معرفی نموده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَعَنَ آكِلَ الرِّبَا وَ مُؤْكَلَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدِيَهُ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸) که نشان‌دهنده شدت حرمت آن است. بنابراین، ربا نه تنها یک گناه فردی، بلکه عاملی برای برهم زدن عدالت و برکت در جامعه است و پرهیز از آن در تمامی معاملات ضروری است.

۳-۲-۲-۳- درآمدهای حاصل از فعالیت‌های حرام

در روایات متعددی از اهل بیت علیهم‌السلام، درآمدهای ناشی از فعالیت‌های نامشروع به عنوان مصادیق «سحت» معرفی شده است که بر حرمت آن‌ها تأکید می‌شود. این روایات نه تنها نشان‌دهنده حساسیت اسلام به پاکی منابع درآمدی است، بلکه معیارهای مشخصی برای شناسایی فعالیت‌های اقتصادی مشروع ارائه می‌دهد. در روایتی از تفسیر قمی نقل شده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جمعی از یهودیان و در پاسخ به پرسش یکی از حضار، به آیه‌ای از قرآن استناد نموده‌اند. در ادامه روایت، مؤلف با اشاره به موضوع «سحت»، آن را چنین تعریف می‌کند: «السُّحْتُ هُوَ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَهُوَ أَنْ يُوَاجِرَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ عَلَى حَمْلِ الْمُسْكِرِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَ اتِّخَاذِ الْمَلَاهِي» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷۰). با این توضیح می‌توان گفت که مفهوم «سحت»، در حقیقت به معنای درآمدهایی است که از فعالیت‌های اقتصادی غیرمجاز به دست می‌آید. مواردی چون حمل مسکرات (نوشیدنی‌های الکلی) یا گوشت خوک، که از مصادیق کالاهای حرام هستند، به عنوان «سحت» شناخته می‌شود. بنابراین درآمد حاصل از چنین فعالیت‌هایی به دلیل ارتباط با کالاهای حرام، نامشروع است.

۳-۲-۲-۴- فریب و خیانت، جلوه‌های اخلاقی «سحت»

روایات اهل بیت علیهم‌السلام مفهوم «سحت» را از محدوده امور مادی و مال حرام فراتر برده و به حوزه رفتارهای اخلاقی نیز گسترش داده‌اند. این نگرش، نشان‌دهنده جامعیت و عمق رویکرد اسلامی در این مسئله است که نه تنها به جنبه‌های مادی، بلکه به اصول اخلاقی و اجتماعی نیز توجه دارد.

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده است: «عَبْنُ الْمُسْتَرْسِلِ سُحْتُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۱)؛ فریب دادن کسی که با اعتماد کامل به انسان روی آورده، مصادق «سحت» است. «إِسترسال» به معنای «الإِستئناس و الطمأنينة إلى الإنسان و الثقة به فيما يحدثه» تعریف شده و به معنای باور و اعتماد شخص به فرد مقابل خود است. بنابراین، «مُستَرسِل» به شخصی اشاره دارد که با اطمینان خاطر، خود را در اختیار دیگری قرار داده است. «عَبْنُ الْمُسْتَرْسِلِ» نیز به نوعی فریب در معامله اشاره دارد که فرد فریب‌خورده، در اعتماد کامل به دیگری به سر می‌برد و نسبت به رفتار او ناآگاه است. این فریب، نقض امانت و خیانت به اعتماد او محسوب می‌شود که در این روایت به عنوان رفتاری ناپسند و حرام معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۲۶۷).

در سخنی دیگر، امام صادق علیه‌السلام به طور عام‌تر فرموده است: «عَبْنُ الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۵۳)؛ یعنی فریب دادن هر مومنی به طور کلی حرام است. این تعمیم نشان می‌دهد که در چارچوب

اخلاق اسلامی، هرگونه رفتار فریبکارانه - حتی اگر مستقیماً به کسب مال حرام نیز منجر نشود - ممنوع است.

این روایات، ابعاد اخلاقی و اجتماعی «سحت» را برجسته نموده‌اند و بر ارزش‌هایی چون امانت‌داری و صداقت تأکید دارند. فریب و خیانت، به عنوان جلوه‌هایی از «سحت»، اعتماد میان افراد را سست کرده و سلامت روابط انسانی را به خطر می‌اندازد. از این رو، پرهیز از این رفتارها برای حفظ انسجام اخلاقی و اجتماعی جامعه ضروری است.

۳-۲-۵- تأثیر «سحت» بر عبادات و حیات معنوی

در آموزه‌های اسلامی، آثار «سحت» و مال حرام تنها به پیامدهای اقتصادی و اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه تأثیری عمیق و مستقیم بر حیات معنوی و ارتباط انسان با خداوند نیز دارد. یکی از مهم‌ترین این تأثیرات، ایجاد مانع در مسیر قبولی عبادات است.

روایات متعددی بر این نکته تأکید نموده‌اند که پاکی درآمد، شرط لازم برای بهره‌مندی از برکات معنوی اعمال عبادی است. در حدیثی مشهور و راهگشا از پیامبر اکرم (ص) که در منابع معتبر شیعه و سنی نقل شده، آمده است: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً مِنْ حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَوْ بَعِثَ لَيْلَةً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۳۱۴)؛ هر کس لقمه‌ای از حرام بخورد، تا چهل شب نماز او قبول نمی‌شود.

این روایت به صراحت نشان می‌دهد که میان تغذیه جسم از مال حرام و پذیرفته شدن عمل عبادی به درگاه الهی، رابطه معکوس وجود دارد. منظور از «عدم قبولی نماز» در این روایت، بطلان فقهی آن نیست؛ بنابراین با ادای نماز، تکلیف از دوش فرد ساقط خواهد شد؛ اما آن اثر معنوی، تعالی روح و پاداش اخروی که غایت اصلی عبادت است، حاصل نمی‌گردد. در حقیقت، مال حرام همچون حجابی خواهد بود که مانع از صعود عمل به ملکوت اعلی می‌شود. این نگرش، بیانگر پیوند ناگسستنی میان ابعاد اقتصادی و معنوی زندگی در اسلام است و بر این اصل تأکید دارد که سلامت اخلاقی و اقتصادی جامعه، مقدمه‌ای برای رشد معنوی افراد آن است.

۳-۳- جمع‌بندی آیات و روایات

تحلیل مفهومی «سحت» نشان می‌دهد این واژه در زبان عربی و متون دینی اسلام دارای دو بُعد اصلی است: نخست، معنای لغوی که بر «نابودی و استیصال» و «ناپسندی و حرام» دلالت دارد؛ و دوم، مفهوم اصطلاحی که در قرآن و روایات به مال حرام و درآمدهای نامشروع، به ویژه رشوه و ربا معنا شده است. ریشه‌شناسی لغوی «سحت» بر پیوند میان حرمت و تباهی تأکید دارد؛ درحالی‌که کاربرد اصطلاحی آن در متون دینی، ابعاد اخلاقی، فقهی و اجتماعی این مفهوم را برجسته نموده است و نشان‌دهنده اهمیت مبارزه با فساد

اقتصادی در نظام اسلامی است. این نگاه جامع، زمینه را برای تطبیق مفهوم «سحت» با مسائل معاصر در بخش بعدی فراهم می‌کند و ضرورت بازنگری در رفتارهای اقتصادی و اجتماعی امروز را برجسته می‌سازد.

۴- تطبیق «سحت» با مسائل اقتصادی و اجتماعی معاصر

بنا بر آنچه تاکنون بیان شد، واژه «سحت» در متون اسلامی به مال حرام و درآمدهای نامشروع اشاره دارد که از منظر دینی و اخلاقی، آثار زیان‌باری برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت. مصادیق نوین این مفهوم در دنیای معاصر، منجر به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی متعددی شده است.

۴-۱- مصادیق مدرن «سحت»

در این بخش، مصادیق مدرن «سحت»، از جمله ربا، رشوه و معاملات فاسد بررسی شده است و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تحلیل می‌شود. هدف از بررسی پیش‌رو، نشان دادن پیوستگی این مفهوم کهن با مسائل روز است.

۴-۱-۱- ربا در نظام‌های مالی معاصر

ربا، که در قرآن کریم به صراحت حرام اعلام شده است (بقره: ۲۷۵-۲۷۹)، در اقتصادهای مدرن به اشکال پیچیده‌تری ظهور یافته است. این مسئله در گذشته، عمدتاً به بهره‌گیری از وام‌های شخصی محدود بود، اما امروزه در قالب بهره‌های بانکی، وام‌های با نرخ سود بالا، اوراق قرضه و ابزارهای مالی مشتق دیده می‌شود. در نظام‌های سرمایه‌داری، این ابزارها به عنوان اهرم‌هایی برای رشد اقتصادی معرفی می‌شوند، اما از دیدگاه اسلامی، به دلیل ایجاد ظلم و برهم زدن تعادل اقتصادی، مصداق بارز «سحت» به شمار می‌روند.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان تأکید دارد که ربا، متمرکز ساختن ثروت در دست گروهی اندک است و اکثریت جامعه را از دسترسی عادلانه به منابع محروم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۴۲۱ و ۴۲۲). در دنیای امروز، وام‌های با بهره سنگین، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، افراد و خانواده‌ها را در چرخه بدهی گرفتار نموده است و بحران‌هایی چون ورشکستگی و افزایش فقر را در پی دارد. این وضعیت، ضرورت جایگزینی نظام‌های مالی ربوی با الگوهای اسلامی مبتنی بر مشارکت و حذف بهره را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

۴-۱-۲- رشوه و فساد اداری

رشوه، یکی دیگر از مصادیق «سحت»، در جوامع معاصر به ویژه در ساختارهای اداری و دولتی به معضلی فراگیر تبدیل شده است. در روایات اسلامی، رشوه به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است و حتی به کفر به

خدا و پیامبر ﷺ تشبیه می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۶). این تأکید نشان‌دهنده درک عمیق اسلام از پیامدهای مخرب رشوه بر انسجام اجتماعی و سلامت اقتصادی است.

در سطح جهانی، سازمان‌هایی مانند Transparency International فساد اداری و رشوه را از عوامل اصلی کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش نابرابری و تضعیف توسعه پایدار معرفی می‌کنند. رشوه با منحرف ساختن منابع عمومی به سود افراد یا گروه‌های خاص، اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی را از بین می‌برد و زمینه بی‌ثباتی اجتماعی را فراهم می‌کند. از منظر اسلامی، مبارزه با این پدیده نه تنها یک الزام اقتصادی، بلکه یک تکلیف دینی است که نیازمند اقدام جمعی و اصلاح ساختارهای نظارتی است.

۴-۱-۳- معاملات فاسد و فعالیت‌های اقتصادی نامشروع

معاملات فاسد، که در فقه تحت عنوان «مکاسب محرمة» شناخته می‌شوند، در عصر حاضر به شکل فعالیت‌هایی چون پول‌شویی، قاچاق، تجارت مواد مخدر و اقتصاد زیرزمینی نمود یافته است. این فعالیت‌ها که به کسب مال حرام منجر می‌شوند، از جمله مصادیق «سحت» هستند. در روایتی از امام صادق علیه السلام به حرمت درآمد حاصل از خدمات غیر مشروع، مانند اجاره دادن یک مکان برای فروش مسکرات، اشاره شده است: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَوَاجِرُ بَيْتَهُ فَيَبِيعُ فِيهِ الْخَمْرَ، قَالَ: حَرَامٌ أَجْرُهُ» (کلینی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۲۷). این معیار، چارچوبی برای شناسایی فعالیت‌های اقتصادی نامشروع در دنیای امروز ارائه می‌دهد.

فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق و پول‌شویی، با ایجاد بازارهای سیاه و فرار مالیاتی، منجر به گسترش جرایم سازمان‌یافته و آسیب به اقتصاد رسمی جامعه خواهند شد. این پدیده‌ها، حاکمیت قانون را تضعیف کرده و امنیت اجتماعی را به خطر می‌اندازند. از این رو، ضروری است که سیاست‌گذاران به منظور طراحی نظام‌های اقتصادی سالم و شفاف، به اصول اسلامی در شناسایی و مقابله با «سحت» توجه کافی داشته باشند.

۴-۲- تأثیرات اقتصادی و اجتماعی «سحت»

«سحت» به عنوان یکی از مفاهیم مهم در فقه اسلامی، پیامدهای گسترده‌ای بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی دارد. این مفهوم نه تنها بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد، بلکه در بُعد اجتماعی نیز آثار منفی بسیاری دارد و می‌تواند منجر به بحران‌های اقتصادی و نارضایتی‌های اجتماعی شود.

۴-۲-۱- تأثیرات اقتصادی

«سحت» در اشکال گوناگون خود، پیامدهای مخرب و گسترده‌ای بر پیکره اقتصادی جامعه تحمیل می‌کند. پدیده‌هایی چون ربا، با تحمیل بدهی‌های فزاینده و ایجاد چرخه‌های بحران مالی، به طور مستقیم ثبات

اقتصاد کلان را هدف قرار می‌دهند. همزمان، رشوه و فساد اداری با ایجاد انحراف در تخصیص بهینه منابع، بهره‌وری را کاهش داده و فضای سرمایه‌گذاری سالم را مسموم می‌کنند. در چنین شرایطی، معاملات فاسد و اقتصاد زیرزمینی گسترش یافته و با کاهش درآمدهای مشروع دولتی و تضعیف زیرساخت‌ها، توانایی دولت برای ارائه خدمات عمومی به شدت محدود خواهد شد.

تحلیل این پدیده در تفاسیر، ابعاد عمیق‌تری از این تخریب را آشکار می‌سازد. مرحوم طبرسی در مجمع البیان، ذیل آیه ۲۷۶ سوره بقره، «محو» و نابودی ربا توسط خداوند را یک فرآیند چندوجهی معرفی نموده است که این نابودی صرفاً مالی نیست، بلکه ابعاد زیر را در بر می‌گیرد:

نابودی مادی: به نقل از ابن عباس، مال حاصل از ربا برکت خود را از دست داده و به تدریج، به طور کامل تلف می‌شود (يَتْلَفُ الْمَالُ كُلُّهُ).

نابودی معنوی و دینی: در پاسخی تکان‌دهنده از امام صادق علیه السلام، حتی اگر ثروت رباخوار در ظاهر افزایش یابد، خداوند دین و معنویت او را نابود می‌سازد (يَمْحَقُ اللَّهُ دِينَهُ).

نابودی اجتماعی: به نقل از ابوالقاسم بلخی، این نابودی در همین دنیا با از بین رفتن اعتبار و عدالت اجتماعی فرد (سُقُوطُ عَدَالَتِهِ) و الحاق او به جرگه فاسقان رخ می‌دهد.

مرحوم طبرسی در جمع‌بندی این بحث، به یک نکته اساسی اشاره می‌کند: رباخوار برای «طلب افزایش مال» دست به این عمل می‌زند، اما خداوند ربا را «سبب نقصان» معرفی کرده است. این پارادوکس نشانگر آن است که در منطق اقتصاد الهی، هرگونه رشد نامشروع، در نهایت به زوال و فروپاشی (مادی، معنوی و اجتماعی) منجر می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۷۱). از این رو، مبارزه با «سحت» نه یک تکلیف اخلاقی صرف، بلکه یک ضرورت راهبردی برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و عدالت‌محور است.

۴-۲-۲- تأثیرات اجتماعی

«سحت» افزون بر تأثیرات اقتصادی، پیامدهای اجتماعی عمیقی نیز دارد. رشوه و معاملات فاسد با کاهش اعتماد عمومی به نهادها، حس نابرابری را تشدید کرده و زمینه‌ساز نارضایتی‌های اجتماعی می‌شوند. این نارضایتی‌ها می‌توانند به اعتراضات، تنش‌های سیاسی و حتی فروپاشی نظم اجتماعی منجر شوند.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده است: «عَبْنُ الْمُسْتَرْسِلِ سُحْتٌ»؛ فریب دادن کسی که به انسان اعتماد کرده، سحت است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۳۱). این سخن نشان می‌دهد که «سحت» فراتر از مسائل مادی، هرگونه سوءاستفاده از اعتماد و نقض حقوق دیگران را شامل می‌شود. در جوامع معاصر، گسترش چنین رفتارهایی منجر به کاهش سرمایه اجتماعی، تضعیف همبستگی و ترویج فرهنگ بی‌اعتمادی خواهد شد.

بررسی تطبیقی «سحت» با مسائل معاصر نشان می‌دهد که این مفهوم اسلامی همچنان در مواجهه با چالش‌های مدرن، مانند ربا، رشوه و معاملات فاسد، از اهمیت و کارآمدی برخوردار است. این مصادیق نه تنها به اقتصاد آسیب می‌رسانند، بلکه با کاهش اعتماد عمومی و افزایش نابرابری، ثبات اجتماعی را تهدید می‌کنند. آموزه‌های اسلامی در زمینه «سحت» چارچوبی اخلاقی و عملی برای مبارزه با فساد و ایجاد نظام اقتصادی عادلانه ارائه می‌دهند. این تحلیل، بر ضرورت بازنگری در الگوهای اقتصادی و اجتماعی کنونی و حرکت به سوی شفافیت و عدالت تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

واژه «سحت» در زبان عربی به معنای نابودی و هلاکت است؛ اما در قرآن و روایات، به مال حرام و درآمدهای نامشروع نظیر رشوه، ربا و معاملات فاسد نیز اشاره دارد. این مفهوم، ریشه در اصول اخلاقی و فقهی اسلام داشته و به عنوان یک عمل حرام و زیان‌بار معرفی شده است. بررسی آیات مرتبط، به ویژه در سوره مائده (آیات ۴۲، ۶۲ و ۶۳) و سوره طه (آیه ۶۱)، نشان می‌دهد که «سحت» در دو بُعد معنایی به کار رفته است: مال حرام و فساد اقتصادی و اجتماعی (در سوره مائده)، و نابودی و عذاب الهی (در سوره طه). روایات معصومان علیهم‌السلام نیز مصادیق «سحت» را به صراحت تبیین کرده و بر حرمت شدید و تأثیرات منفی آن بر زندگی فردی، اجتماعی و معنوی تأکید نموده‌اند. چنان که در روایات تصریح شده است، مصرف مال حرام می‌تواند مانع قبولی عباداتی همچون نماز گردد که این امر، نشان‌دهنده پیوند ناگسستنی میان پاکی اقتصادی و تعالی معنوی در نظام ارزشی اسلام است.

در دنیای امروز، «سحت» به شکل مصادیق نوینی مانند ربا در نظام‌های بانکی، رشوه در ساختارهای اداری و معاملات فاسد در اقتصاد دیده می‌شود. این پدیده‌ها با ایجاد نابرابری، کاهش اعتماد عمومی و تضعیف ثبات اجتماعی، چالش‌های جدی به همراه دارند. آموزه‌های اسلامی در زمینه «سحت» چارچوبی اخلاقی و عملی برای مبارزه با فساد و ایجاد نظام اقتصادی عادلانه ارائه نموده که توجه به این آموزه‌ها، در کاهش فساد اجتماعی و تحقق عدالت بسیار موثر است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). جمهرة اللغة، بيروت: دارالعلم للملایین.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر (بی تا). التحرير و التنوير، بی جا: بی نا.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، قم: مكتب الإعلام الإسلامی.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۹ق). معجم الصحاح، بيروت: دارالمعرفة.
۵. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام).
۶. سمعانی، عبد الکریم بن محمد (۱۳۴۱). الأنساب، حیدرآباد (هند): مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية.
۷. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۵۲). المیزان فی تفسیر القرآن، بيروت: موسسه الأعلمی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۰. طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۲ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن، قاهره: هجر.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب عاملی، بيروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية.
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بيروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم: موسسه دار الهجرة.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بيروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، تحقیق: حسین موسوی کرمانی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۱۹. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بيروت: دارالکتب العلمية.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.

21. Jeffery, Arthur (1938). *The Foreign Vocabulary of the Qur'an*. Baroda: Oriental Institute.